

آسیب‌شناسی جرایم خشن و خطرناک و راهکارهای پیشگیری از آن در حوزه‌های قضایی حومه شرق تهران

عباس شیخ‌الاسلامی*

طاهره محمودسلطانی**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۸

چکیده

جرایم همراه با خشونت یا جرایم خشن، از جمله رفتارهایی می‌باشند که معمولاً توسط کنش‌گران فردی یا جمعی، علیه خود یا علیه دیگری اعمال می‌شوند. با توجه به بررسی‌های میدانی به عمل آمده در این نوشتار، مشخص خواهد شد که خشونت، ماهیتی اجتماعی دارد و بیشتر در تعاملات بین شخصی و بین گروهی صورت می‌گیرد، اما به صورت‌های متفاوت فیزیکی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نظیر قتل، ضرب و جرح، ترور و ... نمود پیدا می‌کند و امنیت اجتماعی و گروهی افراد را مورد تهدید قرار می‌دهد. آنچه که امروزه نگرانی جوامع را موجب شده است، وسعت و دامنه خشونت است؛ لذا می‌توان با فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان، آموزش شیوه‌های تربیتی صحیح به والدین، نظارت درست والدین بر فرزندان، اعمال دقت نظر و کنترل خشم و فراهم کردن فضای آموزشی مطلوب و کاهش تورم اقتصادی و ایجاد شرایط زندگی ایده آل، در جهت پیشگیری از وقوع جرایم خشونت‌آمیزی همچون قتل و ضرب و جرح قدم برداشت. این مقاله سعی دارد که با بررسی میدانی در ده حوزه قضایی حومه شرق تهران، مفهوم جرایم و مجرمان خشن و خطرناک و شرایط شکل‌گیری این وضعیت و اثرات اقدامات انجام شده کیفری و غیر کیفری در مقابله با آن و رسیدن به راهکارهای بومی را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: جرم خشن، حومه شرق تهران، پیشگیری.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

dr.sheikhleslami@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسؤول).

tmsoltani@yahoo.com

مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم، هر جامعه‌ای از اعضای تشکیل‌دهنده خود انتظار دارد که از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تبعیت داشته باشند؛ اما بدیهی است که همواره عده‌ای پیدا می‌شوند که پاره‌ای از این هنجارها و ارزش‌ها را رعایت نمی‌کنند و جامعه، به چنین افرادی «ناهنجار» می‌گوید. از میان افراد ناهنجار، کسی که رفتار ناهنجارش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام آورد، کج‌رو یا منحرف نام دارد (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۳۲).

جرم‌انگاری یک عمل (به عنوان وسیله‌ای برای حفظ ارزش‌های انحصاری جامعه) فرایندی است که به موجب آن، قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (فاخری و عباسی، ۱۳۹۰، ص ۲) و آن‌گاه که سایر ضمانت‌اجراها (از قبیل ضمانت‌اجراهای اخلاقی و مدنی)، از حفظ یک ارزش، ناتوان می‌مانند، از قوی‌ترین ضمانت‌اجراهای موجود، یعنی ضمانت اجرای کیفری استمداد می‌شود؛ بنابراین، باید بین مطالبات و خواسته‌های مردم و جامعه از یک سو و جرم‌شناختن اعمال از سوی دیگر ارتباط وجود داشته باشد.

در حقوق کیفری ایران از دیرباز، جرایم بر اساس ملاک‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند، چنان که در قوانین سابق نیز مهم‌ترین طبقه‌بندی جرایم، تقسیم‌بندی آنها به جنایت، جنحه و خلاف بوده است. ضابطه و معیار تشخیص نوع جرایم ارتكابی، نظر و تصمیم قانونگذار است و بدیهی است که قانونگذار با توجه به ارزش‌ها و عقاید معتبر جامعه، یا برداشتی که نسبت به حمایت از مصالح متنوع حیات اجتماعی دارد، اعمال ناهنجار را بر اساس شدت و خطر آنها تقسیم‌بندی می‌کند؛ کما این که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز علاوه بر مواد مرتبط با قتل، تجاوز به عنف و یا مجازات‌های سالب حیات مخصوص به جرایم مرتبط با مواد مخدر، مطابق ماده ۱۹ خود، جرایم تعزیری را بر اساس سنگین و مهم بودن آنها به هشت درجه مختلف تقسیم نموده است که مجازات جرایم خشن عمدتاً در درجات ۱ الی ۳ پیش‌بینی شده است. بر اساس همین ملاک‌های قانونی است که بخشی از جرایم بر اساس نوع ارتكاب جرم، نحوه ارتكاب جرم، بزه‌دیدگان جرم و ... به جرایم خشن معروفند.

از نگاهی دیگر، جرایم خشن به سه دسته شامل، خشونت علیه اشخاص عادی (نظیر

جرایم ضرب و جرح، تجاوز به عنف و قتل عمد و ...، خشونت علیه اموال و دارایی دیگران (مانند جرایم سرقت، جعل اسناد و ...) و خشونت علیه نظم عمومی (مانند جرایم افساد فی الارض یا محاربه و ...) تقسیم می‌شوند.

۱) دلایل ارتکاب جرایم خشن

علل ارتکاب جرایم خشن، تقریباً همزاد خود جرم است. از همان آغاز که انسان مرتکب خطایی شده که جامعه آن را نپسندیده است، عده‌ای به تبیین و توضیح چرایی ارتکاب عمل او پرداخته‌اند و این تبیین‌ها به مرور زمان شکل منسجم‌تری یافته و هم در طول راه و با تنوع جرایم، متنوع شده است، به طوری که امروزه با ده‌ها نظریه در حوزه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات مواجه هستیم که هر یک به دلایل و مفروضات خاص خود به نحوی، به سبب‌شناسی جرم و تخلف از هنجارهای اجتماعی پرداخته‌اند.

۱-۱) جبر و اجبار

برخی، جبر و اجبار را علت ارتکاب جرایم خشن تلقی نموده‌اند. اعتقاد به جبر در ارتکاب جرم، با مطالعات و آرای لمبروزو آغاز شد و با نظریات فری و فالو استمرار یافت؛ اما/نریکو فری در این زمینه نسبت به لمبروزو معتدل‌تر و واقع‌بین‌تر بوده است. لمبروزو، جبر حاکم بر انسان را فقط ناشی از عوامل درونی فرد می‌دانست، در حالی که نریکو فری علاوه بر عوامل درونی، به عوامل فیزیکی و محیط اجتماعی (فقط تا حدی که از تفکر جبرگرایی فاصله‌چندانی نگرفته باشد) نیز توجه می‌کرد. فری اعتقاد داشت که انسان، در ارتکاب جرم مجبور است. او ضمن اعتقاد به تفکرات لمبروزو در مورد این که جبر حاکم بر انسان ناشی از عوامل ارثی و فیزیولوژیکی و ... است، به سایر عوامل نیز توجه داشت (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹).

۱-۲) وجود حالت خطرناک

برخی، ارتکاب جرایم خشن را به دلیل وجود حالت خطرناک در مجرمان می‌دانند. «جرم‌شناسی بالینی» که یکی از شاخه‌های علم «جرم‌شناسی کاربردی» است، بر مبنای این اعتقاد که «مجرم، بیمار است» پایه‌گذاری گردیده است. بیماری مجرم، در علم جرم‌شناسی بالینی، به حالت خطرناک وابسته است، به نحوی که فرد را در مظان ارتکاب

جرم قرار می‌دهند. حالت خطرناک، دو ضابطه دارد: یکی، استعداد مجرمانه و دیگر، قابلیت انطباق فرد با نظام ارزش جامعه. بر حسب میزان بهره‌مندی انسان از این دو ضابطه، حالت خطرناک نیز در انسان‌ها متفاوت خواهد بود. منظور از قابلیت انطباق فرد با نظام ارزش یا ارزش‌ها، این است که در نظر جامعه، فرد تا چه اندازه می‌تواند خود را اجتماعی معرفی کند و در حقیقت، تا چه میزان می‌تواند وفاداری خود به ارزش‌ها را برای جامعه اثبات نماید. وخیم‌ترین حالت خطرناک، زمانی است که استعداد مجرمانه افزایش می‌یابد و همچنین بر قابلیت انطباق‌پذیری فرد با ارزش‌ها هم بسیار افزوده می‌گردد. این دسته از مجرمین که در جرم‌شناسی به بزهکاران «یقه سفید»^۱ شهرت دارند، کسانی هستند که از موقعیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردارند و با استفاده از نفوذ خود و همچنین با تظاهر به پای‌بندی به ارزش‌ها مرتکب جرم می‌شوند.

۳-۱) علل درونی و بیرونی

گفتنی است که برخی دیگر از نظریه‌پردازان، وقوع جرایم خشن را ناشی از علل درونی و بیرونی می‌دانند؛ زیرا علل وقوع جرایم خشن را می‌توان در ویژگی‌های شخصیتی بزهکار، اعم از جسمانی و روانی جستجو نمود. عوامل درونی بزهکار، با ویژگی‌های خود قابل تفکیک به دو گروه ارثی و اکتسابی هستند.

از یک نگاه می‌توان عوامل جرم‌زا را به دو دسته اصلی عوامل درونی (فردی) و عوامل بیرونی (محیطی و مکانی) طبقه‌بندی نمود. بی‌شک، رابطه انسان با مکان و یا به طور کلی محیط پیرامون او، به وسیله مجموعه کنش‌های او نمود می‌یابد. هر انسانی با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود، به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می‌نماید.

به طور کلی، تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی و هر فعل و ترک فعلی که تحت عنوان «جرم» شناخته می‌شود، به هر نحوی که از انسان سر بزند دارای بستر زمانی و مکانی است؛ به بیان دیگر، تمامی اعمال مجرمانه، دارای ظرف زمانی و مکانی خاصی

1- White - Collar Crime.

هستند که آنها را از هم متمایز می‌سازد؛ بنابراین، تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان، توزیع فضای نابرابر جرایم را در پی خواهد داشت. این تفاوت موجب می‌شود که در واحد مکان، ناهنجاری‌های اجتماعی به طور یکسان پراکنده نباشد. واکنش‌های خود به خود یا سنجیده‌انسان نسبت به محرک‌های خارجی یا اطرفیان خود، بستگی تام به ساختار شخصیتی او دارد. با این همه، از تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری پدیده بزهکارانه نباید غفلت کرد.

عوامل بیرونی بزهکاری، شامل عواملی هستند که در محیط، انسان را همواره تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و محرک رفتارهای او به شمار می‌روند. پژوهش‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که میان برخی رفتارهای بزهکارانه و میزان دما (گرما و سرما) و تغییرات فصول، رابطه پیوسته‌ای وجود دارد و محیط‌های شهری و روستایی، از یک میزان بزهکاری برابری برخوردار نیستند. محیط اجتماعی نیز فرد را گاه در ارتباط و یا در تعارض با دیگر افراد جامعه قرار می‌دهد و گاهی نیز این محیط موقتی است.

علل بیرونی مؤثر بر ارتکاب جرم، به چند عامل عمده از قبیل عوامل اقتصادی، اجتماعی و ... تقسیم می‌شوند؛ به عنوان مثال، در عوامل اجتماعی، مواردی نظیر خانواده و میزان آرامش یا متشنج بودن آن، قابلیت بررسی دارد. در صورتی که محیط خانواده، یک محیط متشنج باشد (یعنی بین والدین، اختلاف و مشاجره و درگیری وجود داشته باشد)، آرامش و آسایش فرزندان آن خانواده سلب می‌شود و آثار روانی نامطلوبی بر کودکان به جای می‌گذارد که در دوران بلوغ و پس از آن به صورت پرخاشگری، عصیان، سرپیچی از قوانین و مقررات و یا به صورت بی‌تفاوتی یا گوشه‌گیری بروز نموده و موجب ارتکاب جرایم گوناگون می‌شود. تحقیقات در فرانسه نشان می‌دهد که ۸۰ درصد اطفال بزهکار، از چنین خانواده‌هایی هستند (دانش، ۱۳۸۸، ص ۳۳۸). محیط تحصیل، تفریح و اشتغال نیز به عنوان زیرمجموعه‌های علل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم، قابل بررسی هستند.

برای آن که نمونه‌ای از تأثیر محیط و مکان بر بروز جرایم خشن ارائه نماییم، به نتایج حاصل از یک پژوهش استناد خواهیم کرد که نشان می‌دهد تعداد زیادی از جوانان مورد بررسی، در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که اعضای خانواده یا اقوام نزدیکشان دارای سابقه مجرمیت می‌باشند. ۵۳ درصد از آنها شاهد خشونت والدین (کتک‌کاری) و ۴۴ درصد نیز شاهد کتک‌کاری اعضای خانواده با دیگران بوده‌اند. درصد زیادی از این جوانان در

دوران کودکی و نوجوانی، از سوی اعضای خانواده‌شان (۵۶ درصد از سوی پدر، ۷۰ درصد از سوی مادر، ۶۷ درصد به وسیله‌ی خواهر، ۸۰ درصد دیگر نیز توسط ناپدری و نامادری) در حدّ زیادی تنبیه بدنی شده‌اند (عرب‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳).

در پژوهش فوق، ۶۷/۹ درصد از نمونه‌ها عنوان کرده‌اند که در محله‌ای که قبل از دستگیری در آن زندگی می‌کرده‌اند، فقر حاکم بوده است؛ همچنین ۷۴ درصد آنها نیز اعلام کرده‌اند که در محل زندگی‌شان، جرم وجود داشته است و ۶۳ درصد از این افراد نیز اعلام داشته‌اند که عضو گروه‌های نزاع محلی بوده‌اند.

اما یکی از علل بیرونی و اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم، رسانه‌های جمعی هستند؛ در واقع، رادیو، تلویزیون، سینما و نمایش، در هر جامعه‌ای به عنوان ابزارهایی برای جامعه-پذیری و فرهنگ‌پذیری مورد استفاده قرار می‌گیرند تا افراد آن جامعه بتوانند یکدیگر را نسبت به رعایت قوانین و مقررات آن جامعه، مقید بار آورند و از این طریق، جلوی ارتکاب جرایم را بگیرند و میزان آن را کاهش دهند. اما متأسفانه امروزه توجه نکردن به مقتضیات زمان و مکان، آداب و رسوم، مبانی اخلاقی و اعتقادات مذهبی، سبب انحراف و گمراهی افراد جامعه و موجب بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرایم شده است.

گفتنی است که گزارش‌های مکرر رسانه درباره‌ی ارتکاب برخی جرایم خیابانی از قبیل ضرب و شتم، قمه‌کشی، تجاوز به عنف و قتل، موجب می‌شود که توجه افکار عمومی به سمت این جرایم سوق پیدا کند و این به معنی تقویت انگیزه‌ی ارتکاب جرایم و به راه انداختن امواج آن است که یکی از کارکردهای منفی رسانه‌ها به شمار می‌رود. مادامی که ناهنجاری و جرم در نظر کنش‌گران اجتماعی، امری زشت و غیر منطقی باشد، میزان میل به سوی انحرافات اجتماعی نیز کمتر می‌شود. از مصادیق عمده‌ی تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای مردم می‌توان به رواج خشونت و تمایلات پرخاشگرانه اشاره کرد که خود می‌تواند زمینه‌ساز گرایش مخاطبان به تکرار اعمال مذکور شود و در نتیجه، فراهم‌کننده‌ی بستر مناسب برای ارتکاب طیف وسیعی از ناهنجاری‌ها و جرایم می‌گردد.

خشونت به عنوان یک واقعیت، نمودی از یک حالت خطرناک است و به طور فراگیر در تمام اقشار خودنمایی می‌کند. خشونت، انواع مختلفی نظیر عاطفی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی دارد و از قدیم تا به امروز تحت اشکال مختلفی وجود داشته است. امروزه با به وجود آمدن تمدن‌ها، خشونت به صورت سازمان‌یافته و با اشکال متفاوت‌تری

ظاهر شده است (نجفی‌توانا، ۱۳۸۰، ص ۵۳). زمانی که شرایط ارتکاب جرم فراهم می‌شود، افراد در مقابل محرک‌ها واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند که این واکنش‌ها، به فراخور توان روحی فرد، شرایط سنی و فرهنگی او و حتی سطح تحصیلاتش متنوع خواهد بود. بارها در برخی از این افراد دیده شده است که به علت شدت اثربخشی محرک خارجی و ناتوانی در مدیریت خشم، به حدی عنان از کف می‌دهند که در یک لحظه به صورت جنون‌آمیزی مرتکب رفتار خشن می‌شوند. بررسی قتل‌های واقع شده در دهه ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که بیشتر آنها مربوط به مسائل خانوادگی و تعصب و حس مالکیت مردان نسبت به زنان بوده است و آنها را وادار کرده است که در صورت بروز هرگونه شک، تردید، مخالفت و یا ممانعتی، از زور به عنوان یک سلاح ب‌رنده استفاده کنند که خشونت، تجلی آن است (نجفی-توانا، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، جرایم خشن و خطرناک (خشونت‌آمیز) جرایمی هستند که با زور یا تهدید علیه دیگران همراه می‌باشند که از جمله آنها می‌توان به جنایت (قتل) و تجاوز به عنف اشاره نمود. در سال ۱۳۸۶، آیین‌نامه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان، با اعتقاد به تفاوت میان مجرمین خشن و خطرناک، بخش‌های نگهداری از این گروه‌ها را از هم متمایز کرده است. اصولاً با نگاه به نظرات قانونگذار، شاید بتوان جرایم خشن و خطرناک را به مواردی نظیر قتل عمدی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری، سرقت به عنف و زورگیری و ... اختصاص داد.

همان‌طور که اشاره گردید، قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، علاوه بر موارد مقرر در باب قصاص و حدود، در ماده ۱۹ به بحث درجات مختلف مجازات‌های تعزیری پرداخته است که بر اساس آن، همه مجازات‌های تعزیری به ۸ درجه مختلف تقسیم شده‌اند؛

۱- مطابق ماده ۷ آیین‌نامه مذکور، «طبقه‌بندی زندانیان، بر اساس نوع جرم در زندان‌های با ظرفیت بالای هفتصد نفر زندانی به شرح زیر بوده و زندانیان باید در گروه خاص خود نگهداری شوند: الف - جرایم بانندی و سازمان-یافته، قتل عمدی، سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف، اسیدپاشی، اشرار و سارقین سابقه‌دار. ب - جرایم مالی مانند کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، جعل و استفاده از سند مجعول، خیانت در امانت، اختلال در نظام اقتصادی، قاچاق کالا و ارز، سرقت فاقد سابقه، ضرب و جرح عمدی، زنا و لواط، جرایم بر ضد عفت و اخلاق و نظم عمومی، جرایم غیر عمدی، جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، صدور چک بی‌محل و محکومین مالی موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی. ج - جرایم ویژه با حساسیت عمومی نظیر جاسوسی، اقدام علیه امنیت کشور. د - جرایم مربوط به مواد مخدر».

مجازات‌های درجه یک حاوی سنگین‌ترین و مجازات‌های درجه هشت نیز حاوی سبک‌ترین میزان کیفر می‌باشند. راهکارهای قانون مجازات اسلامی در رابطه با جرایم خشن، راهکارهای نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای است. همچنین ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای جرایم خطرناک و خشن از قبیل برخی جرایم حدی، سالب حیات و تعزیرات درجات ۱ الی ۶ علاوه بر مجازات اصلی مقرر در قانون، مجازات‌های تکمیلی نیز وضع نموده است که منع اقامت اجباری در محل معین یا منع از حمل سلاح، از آن جمله است.

۲) تأثیر محیط جغرافیایی و زمان، بر ارتکاب جرایم خشن و خطرناک

الگوی مسلط زندگی در دنیای کنونی، شهرنشینی است. شهرها به علت بافت خاص خود، هم فرصت‌اند و هم تهدید؛ به این معنا که فرصتی برای تبلور توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسانی هستند و از سوی دیگر، زمینه‌ساز مشکلات عدیده‌ای همچون فشارهای روحی و روانی، ترافیک، آلودگی هوا، میزان بالای انحرافات و جرایم و ... می‌باشند. همزمان با رشد فیزیکی و اجتماعی شهرها، به ویژه در مناطق مرکزی و حاشیه‌ای شهرهای بزرگ، جرایم و آسیب‌ها نیز افزایش یافته‌اند؛ به طوری که با وسعت یافتن شهرها، میزان جرایم نیز بالا می‌رود و بر ابعاد کیفی و کمی آنها افزوده می‌شود. تبعات منفی این افزایش، تنظیم روابط انسانی سالم و سازنده ساکنان شهرها با محیط زندگی‌شان را با دشواری مواجهه ساخته و سبب شده است که نظام اجتماعی شهرها، از ایفای کارکردهای بنیادی و حقیقی خود فاصله بگیرد. تمرکز روز افزون افراد در نواحی شهری و رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین افزایش طبیعی جمعیت، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. افزایش و تراکم جمعیت، خواه و ناخواه توسعه فضای شهری را به دنبال دارد و منجر به پیچیدگی روابط و مناسبات انسانی می‌شود (رضوانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰).

این امکان وجود دارد که محیط‌های نامناسب و جمعیت انبوه شهرهای بزرگ، سبب بروز رفتارهای ناهنجار در آنها شوند. اشکال گوناگون ناهنجاری‌های شهری و عوارضی مانند سرقت، آدم‌کشی، قانون‌شکنی و قانون‌گریزی، تجاوز به حقوق دیگران، گسترش مصرف مواد مخدر، خشونت، نزاع و درگیری و مانند آنها، شوون حیات شهری را تحت تأثیر قرار داده و سبب شده‌اند که جنبه‌های اساسی فعل و انفعال‌های شهری با مشکل روبرو

شوند و جریان رشد متعادل و موزون مکانی، اجتماعی و شهری دچار رکود گردد. جرایم شهری، بخشی از ناهنجاری‌ها، کج‌روی‌ها و قانون‌شکنی‌های اجتماعی هستند که در نتیجه پیدایش شهرنشینی و مشکلات ناشی از آن، در چهارچوب نظام شهری به عنوان مانعی در راه تأمین انتظام و تعادل شهری پدیدار می‌شوند؛ به عبارت دیگر، کج‌روی‌های شهری، همان ناهنجاری‌هایی هستند که در سطوح مختلف خود سبب آسیب‌های ساختاری و کارکردی برای جامعه شهری می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴).

۳) جرایم خشن و خطرناک در حومه شرق تهران

بررسی عوامل مؤثر در شیوع جرایم خشن و خطرناک در حوزه حومه شرق تهران، مستلزم بررسی فرضیه‌های تحقیق بر اساس نظریات علما و دانشمندان حوزه جرم‌شناسی و در قالب پرسشنامه‌های مدون است و انتظار دارد که میزان انطباق این نظریه‌ها را در ایران و خصوصاً در حوزه خاص مورد نظر خویش بیازماید و پاسخ‌های این مطالعات را در قالب تحلیل‌های آماری به جامعه حقوقی کشور تقدیم نماید. مطابق روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن، تعداد مجرمان ذکور و اناث زندانی و غیر زندانی حوزه‌های قضایی حومه شرق شهر تهران با حجم نمونه‌ای قابل توجه شامل ۳۰۰ نفر می‌باشد.

بر اساس آمارهای پلیس تهران، ده‌ها جرم شبانه در تهران رخ می‌دهد که زورگیری و سرقت خودرو مهم‌ترین آنها هستند. جرایم شبانه پایتخت، اگرچه عادی به نظر می‌رسند اما با جوان‌تر شدن مجرمان، بر خشونت این جرم‌ها روز به روز افزوده شده و حتی در چند مورد منجر به قتل افراد گردیده است. به جرأت می‌توان گفت که زورگیری‌های خشن شبانه، مهم‌ترین جرم پایتخت پس از تاریکی هوا هستند. زورگیری‌هایی که اغلب اوقات وسیله کارشان موتور سیکلت و محله‌های خلوت، مکان فعالیتشان است، پس از شناسایی طعمه‌های خود، به راحتی با قرار دادن چاقو و قمه زیر گلو و با تهدید آنها، تمام اموال با ارزش این افراد را در کسری از دقیقه سرقت می‌کنند؛ سرقت‌هایی که در صورت مقاومت طعمه، به درگیری و سرقت خونین تبدیل می‌شوند. عریضه‌کشی و تخریب خودرو، سرقت‌های شبانه، مزاحمت برای نوامیس، رانندگی‌های خطرناک مجرمانه، اغلب در شب و در نقاط تاریک شهری که حریم امنی برای ارتکاب این جرایم است اتفاق می‌افتند؛ لذا باید دانست که از مهم‌ترین ویژگی‌های آلودگی رفتاری و جرم‌خیزی در زمان شب و

تاریکی، کم نوری و توزیع نامناسب سیستم روشنایی است که بر محیط حاکم می‌شود و فرصت مناسبی را برای مجرمان فراهم می‌سازد.

در بررسی آماری صورت گرفته در سال ۱۳۹۲ در سطح شهر تهران، ۷۲/۵ درصد بزهکاران، ساعات شب و ۲۷/۵ درصد بزهکاران، اوقات روز را به عنوان زمان ارتکاب عمل مجرمانه خود اعلام داشته‌اند. زمان وقوع بزهکاری در گروه‌های مختلف جرم تفاوت زیادی نشان را می‌دهد، به طوری که تقریباً نیمی از جرایم منافی عفت و جرایم علیه اشخاص (از جمله قتل، ضرب و جرح)، شب هنگام و نیمه دیگر در روز اتفاق افتاده است. از طرفی حدود ۴۰ درصد از بزهکاران که مرتکب یکی از جرایم سرقت شده‌اند، زمان ارتکاب جرم خود را شب ذکر کرده‌اند و این در حالی است که سایر جرایم علیه اموال و قاچاق مواد مخدر در روز اتفاق افتاده‌اند (کلانتری و آیت، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

۴) تحلیل یافته‌های حاصل از تحقیقات میدانی در حومه شرق تهران

از تعداد ۳۱۰ پرسشنامه توزیع شده در بین نمونه آماری، نتایجی به دست آمده است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. بیش از ۸۵ درصد مرتکبین جرایم خشن، مرد بوده‌اند؛ زیرا مجرمان خشن در دسته‌های ویژه‌ای از جرایم همچون خشونت خانگی، مزاحمت جنسی، خشونت جنسی و تجاوز، غالباً مردانند و زنان به طور عمده در این دسته‌ها قربانی می‌باشند. همچنین گفتنی است که ۵۷ درصد آنها بیش از ۳ فرزند داشته‌اند.

طبق نظریات ابراز شده، کودکانی که توسط دو والد و توأم با محبت مناسب بزرگ شده‌اند به احتمال زیاد به افرادی غیر خشن تبدیل خواهند شد. باور بر این است که یک کودک، نیاز دارد که در طول سال‌های نخستین کودکی‌اش، با والدین خود رابطه برقرار کند؛ در نتیجه، کودک شانس بیشتری دارد که به فردی خشن بدل نشود. بسیاری از کودکانی که محبت لازم را از والدین خود دریافت نمی‌کنند اغلب به منابع دیگری جهت پُر کردن این خلأ روی می‌آورند که یکی از معمول‌ترین این منابع، دار و دسته‌های مجرمانه هستند. در یافته‌های تحقیق پیش رو، ۳۵/۳۳ درصد متهمین و مجرمین جرایم خشن و خطرناک در حوزه‌های قضایی حومه شرق تهران، بین ۱۸ تا ۲۵ سال سن دارند و نزدیک به ۴۷ درصد آنها متأهل بوده و قریب به ۵۰ درصد آنها پدر یا مادر خود را از دست داده‌اند. جالب است بدانیم که نزدیک به ۵۶/۳۳ درصد این افراد، دارای کارت پایان خدمت

بوده و ۶۱/۳۱ درصد آنها از نظر روانی سالم به حساب می‌آیند و به عبارت دیگر، حدوداً دو سوّم آنها فاقد هرگونه بیماری جسمی و روانی هستند. از جنبه آموزشی و وضعیت دینی نیز ۶۵ درصد آنها با سواد و ۸۹ درصد آنها مسلمان بوده‌اند. در تحقیقات میدانی به عمل آمده دریافتیم که ۳۵/۶۷ درصد این افراد، شاغل و نزدیک به ۶۰ درصد آنها در منازل استیجاری سکونت دارند.

خشونت‌ها، بسیار بیش از آنچه که تصوّر می‌شود هزینه‌های بسیار سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کنند. یک زد و خورد خیابانی می‌تواند تا ده‌ها یا میلیون‌ها تومان هزینه برای جامعه داشته باشد. اگر یکی از طرفین دعوا، دچار جراحت و یا معلولیت دائمی شود، صدها میلیون تومان هزینه بر جامعه تحمیل خواهد کرد. علاوه بر آن، خشونت در مواردی ریشه در اقتصاد بیمار و فلج یک جامعه دارد. مطابق نتایج تحقیق پیش رو، بیش از ۷۲ درصد نمونه‌های مورد تحقیق، در اقامتگاه‌هایی سکونت داشته‌اند که بیش از ۵ نفر در آنجا اقامت داشته‌اند.

از منظر فرهنگی نیز آمار قابل توجهی به دست آمده است، بدین شرح که بیش از دو سوّم این افراد، هیچ روزنامه، مجله و یا کتابی را مطالعه نکرده و به عکس، مدام برنامه‌های ماهواره‌ای را مشاهده نموده‌اند و به مهمانی و شب‌نشینی علاقه‌مند بوده و بیشتر وقت خود را به شنیدن موسیقی و تماشای فیلم گذرانده‌اند.

گفتنی است که ۵۷/۶۷ درصد مجرمینی که مرتکب جرایم خشن شده‌اند، در محلی غیر از محل وقوع جرم دستگیر شده‌اند که از این میان، ۶۲ درصد آنها دستگیری توأم با درگیری داشته‌اند و خود را به راحتی تسلیم نکرده‌اند. افراد بزه‌دیده با ۲۵/۶۷ درصد و نیروی انتظامی با ۲۴/۳۳ درصد، مهم‌ترین عاملان دستگیری این مجرمان را تشکیل داده‌اند. از این تعداد، نزدیک به ۶۰ درصد آنها بیش از دو بار سابقه دستگیری داشته‌اند.

فراوانی نوع جرایم خشن این افراد بدین ترتیب بوده است که ۱۴/۳۳ درصد آن مربوط به درگیری و ایراد ضرب و جرح، ۱۳/۳۳ درصد مربوط به زورگیری و باج‌گیری، ۹/۶۷ درصد مربوط به تخریب و احراق اموال، ۷/۳۳ درصد مربوط به قتل و ۵/۳۳ درصد آن هم مربوط به آدم‌ربایی بوده است.

شناسایی عوامل مکانی و محیطی بروز جرم و تلاش در از بین بردن این عوامل و یا کاهش تأثیرات آن، از مهم‌ترین مسائل در این زمینه می‌باشد. ناهنجاری اجتماعی به هر

نحو که از انسان سر بزند دارای بستر و ظرف مکانی و زمانی است که این رفتارها را از یکدیگر متمایز می‌کند. مجرمان در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب‌های منطقی می‌زنند و به دنبال ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی و زمانی برای ارتکاب جرم هستند. در تحقیقات به عمل آمده، ۱۸/۶۷ درصد از جرایم خشن در محل‌های خلوت و ۱۵/۶۷ درصد آنها با استفاده از تاریکی شب بوده است (سلطانی، ۱۳۹۵، صص ۱۵۶-۱۶۳).

علل وقوع بزه‌های خشن را باید در ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی بزهکار، اعم از ویژگی‌های جسمانی، روانی و محیطی که او را احاطه کرده است جستجو کرد. علاوه بر عوامل محیطی که بر رفتار انسان‌ها مؤثرند، زمینه روانی که بر پایه احساسات انفعالی و عاطفی نظیر خشم، حسد، نگرانی، ترس و ... استوار است در بروز پاره‌ای از رفتارهای ناهنجار تأثیر به سزا دارد. در ارتکاب جرم، هیچ‌گاه یک عامل به تنهایی زمینه‌ساز نیست و نمی‌تواند باشد. تقسیم ناعادلانه ثروت و نابرابری اجتماعی و حس سرخوردگی و تبعیض و نابرابری در اعمال قانون در برابر جنایتکاران یقه سفید و ایجاد عقده در فرد اجتماعی، موجب اعمال مجرمانه خشن می‌شود و از این رو، بیشترین درصد بزهکاران را مردم فقیر و کم درآمد تشکیل می‌دهند.

۵) پیشگیری از جرایم خشن و خطرناک و اقدامات پیشگیرانه

جرم، یک عمل عمدی و ارادی علیه قانون است؛ بنابراین، قابل حمایت نیست و مجرم باید دستگیر و مجازات شود. مجرمان در زمان‌های مختلف و با توجه به اوضاع و احوال و شرایط ممکن است نسبت به جرایم خاصی استقبال بیشتری نشان دهند. در این وضعیت، جرم‌شناسان با بررسی علت‌های وقوع جرم، سعی می‌کنند که با غیر ممکن ساختن یا از بین بردن علت‌ها، از وقوع جرایم جلوگیری کنند؛ زیرا بروز جرایم خشن سبب بی‌اعتمادی شهروندان به نهادهای قضایی و انتظامی می‌شود.

خسارات جانی و مالی فراوانی که از یک پدیده ضد اجتماعی به بار می‌آید دولت‌ها را از همان ابتدا وادار به مبارزه با آن پدیده کرده است. در همین راستا، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موجب ماده ۴۷، مرتکبین جرایم خشن و خطرناک نظیر مزاحمت با چاقو، محاربه و افساد فی الارض، معاونت در قتل عمدی، آدم‌ربایی و اسیدپاشی و ... را از تأسیسات ارفاقی نظیر تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، محروم نموده است.

تفکرات علمی و جدید در خصوص جرم و پیشگیری، تا چند دهه قبل بر محور مرتکب، شرایط و اوضاع و احوال محیط بر زندگی او در ابعاد مختلف اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... می‌چرخید تا مشخص گردد که یک شخصیت مجرمانه چگونه شکل می‌گیرد و به چه طریقی می‌توان آن را مهار یا درمان کرد. بر این اساس، سنگ بنای سیاست جنایی را مرتکب تشکیل می‌داد تا از طریق ارباب یا اصلاح وی یا تغییر و بهبود محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... هدف پیشگیری حاصل شود (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۱). اما از چند دهه قبل، رهیافت دیگری، سیاست جنایی را در بُعد پیشگیری از جرم تحت تأثیر قرار داد که محور اصلی آن، توجه به بزه‌دیده و به عبارت دقیق‌تر، آماج و هدف جرم می‌باشد.

معضلی که در بیشتر کشورها از جمله ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، افزایش جرایم در بعد کمی و کیفی و تأثیر عواقب مخرب آن بر زندگی فردی و اجتماعی است؛ هرچند که این دو امر، به ویژه تأثیر جرم بر زندگی مردم، فضای ناچیزی را در تحقیقات به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بیشتر اهل تحقیق (دست کم در دنیای غرب)، به این نتیجه رسیده‌اند که روش‌های سنتی مبارزه با جرایم، یعنی اعمال قوانین کیفری توسط دستگاه‌های ذی‌ربط مثل نظام قضایی و پلیس و حتی اعمال روش‌های اصلاحی و تربیتی در مکان‌های بسته‌ای مثل زندان و مؤسسات شبیه زندان و یا وابسته به آن، نتیجه چشم‌گیری در پیشگیری از وقوع جرم و یا کاهش آن و حتی تکرار جرایم نداشته است.

برخی از شیوه‌ها در بعضی موارد کارایی دارند، اما به نظر می‌رسد که تأثیر تعاطلی دو دیدگاه فوق، با مدد تحقیقات متعدد بعدی و طرح نقاط ضعف فراوان نظام دادرسی کیفری، به عنوان محور حل اختلاف و مبارزه با جرم و پیشگیری از آن با سلاح مجازات، به مرکزیت مجازات زندان، به قدری ژرف بود که محققین و شاید بیش از آنها دست‌اندرکاران را نه تنها وادار به جستجوی جانشین‌های نظام کیفری و رسمی یا قانونی و همچنین زندان نمود، بلکه اندیشه را نیز به سوی معرفی شیوه‌های دیگری برای پیشگیری از جرم به تکاپو واداشت تا شاید نتایج بهتری به بار آورده و مشروعیت نظام کیفری را که در اثر نقدهای شدید، لرزان شده بود بار دیگر تثبیت و استوار گرداند (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

نخستین، عمومی‌ترین و در عین حال غریزی‌ترین رویکرد قانونگذاران برای پیشگیری

از تکرار جرم، تشدید مجازات بزهکاران و بزهکاران مکرر، بر اساس اندیشه بازدارندگی کیفرها بوده است و یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از وقوع جرایم خشن را برخورد قاطع و به هنگام با این نوع از جرایم می‌داند. پیش فرض حاکم در این خصوص عبارت است از، مجازات‌های شدیدتر مساوی است با نرخ بزهکاری یا تکرار جرم پایین‌تر؛ به عبارت دیگر، بر اساس این فرض، هرچه مجازات شدیدتر باشد، نرخ بزهکاری اولیه یا تکرار جرم نیز پایین‌تر خواهد بود. این فرض اولیه که در قانونگذاری کیفری ایران از سال ۱۳۶۱ موجب تشدید مجازات اجباری تکرارکنندگان جرم شده بود، در قانونگذاری ۱۳۶۱ تا به امروز، موجب تشدید مجازات اختیاری و اجباری تکرارکنندگان جرایم شده است. بدیهی است که تشدید مجازات اختیاری تکرارکنندگان جرایم و یا تشدید مجازات اجباری این دسته از مرتکبان جرایم در ایران، دارای آثار و ابعاد مختلفی است. حتی امروزه در برخی از دادگستری‌های کشور، معاونت‌های خاصی جهت برخورد با این نوع از جرایم خشن تأسیس شده است تا در اسرع وقت و قاطعانه با آنها برخورد صورت پذیرد.

بر خلاف اندیشه «مجازات شدیدتر مساوی با تکرار جرم کمتر»، پژوهش‌ها حاکی از «مجازات شدیدتر مساوی با تکرار جرم وخیم‌تر و سریع‌تر» است (سلطانی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). این یافته‌ها، مشروعیت تحمیل مجازات‌های شدیدتر را بر تکرارکنندگان جرم، هم از حیث عادلانه بودن تحمیل کیفر مشدد به خاطر وضعیت جنایی سابق مرتکب عمل مجرمانه (که قبلاً تاوان آن را پرداخته بود) و هم از حیث کارایی و تأثیرگذاری آن، زیر سؤال برده است. به همین دلیل، در کنار رویکرد بازدارندگی یا به جای آن، در برخی کشورها رویکردهای پیشگیرانه با تأکید بر استفاده از اقدامات اصلاحی - تربیتی و تدابیر خنثی‌کننده مد نظر قرار گرفته است. در ایران، وضع قوانین منبعث از رویکرد اصلاحی - تربیتی، دقیقاً بر اساس چنین فهم و درکی صورت گرفته است؛ به نحوی که در قوانین جدید، ورود رویکرد اصلاحی - تربیتی در سیاست‌گذاری جنایی ایران انجام گرفته است.

در مقابل جنبش نظری - تقنینی (و نه اجرایی - قضایی) برای استفاده از رویکرد اصلاحی - درمانی جهت پیشگیری از تکرار جرم در قانونگذاری کیفری بعد از انقلاب، از طریق انحلال دادگاه‌های تخصصی اطفال بزهکار، وضع مجازات‌های شدید، کاهش سن مسؤلیت کیفری، افزایش قطعیت احکام کیفری و تحدید مواد تجدیدنظرخواهی (در برهه‌ای از زمان)، تأسیس دادگاه کیفری اختصاصی و ... خواه با شناخت جنبش بازگشت

به کیفر یا بدون شناخت آن، نوعی سیاست جنایی سخت‌گیرانه شکل گرفته است (رحیمی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳).

اصولاً پیشگیری از وقوع جرم، به عنوان جدیدترین رویکرد جرم‌شناختی و مؤثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بسیار ارزشمندی را در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند، بر اثر ناکامی آموزه‌های کیفری و حتی دیدگاه‌های جرم‌شناختی، علت‌شناسی و سایر تئوری‌های جرم‌شناختی و شناخت ماهیت بزهکاری و عوامل مؤثر بر آن و در نتیجه، کنترل بزهکاری بوده است.

۱-۵) پیشگیری ابتدایی

پیشگیری ابتدایی، عبارت از مجموعه وسایلی است که معطوف به تغییر شرایط جرم‌زای اطرافیان، به طور کلی اعم از طبیعی و اجتماعی می‌باشد؛ به عبارت دقیق‌تر، پیشگیری ابتدایی، راهکارهایی است که از طریق زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و دیگر زمینه‌های سیاست عمومی، در جهت پیشگیری تلاش می‌کند. این حالت، به ویژه بر موقعیت جرم‌زا و علل ریشه‌ای ارتکاب جرم، تأثیر می‌گذارد و هدف اصلی آن، ایجاد امیدوارکننده‌ترین شرایط برای زندگی است که شامل آموزش خانواده، ایجاد مسکن، استقلال و سرگرمی می‌باشد (صادقی‌راد، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

۲-۵) پیشگیری ثانویه

این نوع پیشگیری، بیشتر معطوف به مداخله برای پیشگیری از لحاظ گروه‌ها یا جمعیت‌های در معرض خطر جرم است. این امر شامل شناخت زود هنگام شرایط جرم‌زا و نفوذهایی است که بر این شرایط اعمال می‌شود. برای این گروه‌ها می‌توان تدابیر خاصی اندیشید؛ تدابیر حمایتی در خصوص کودکان خیابانی، کودکان متعلق به خانواده‌های معتاد و بی‌سرپرست یا بد سرپرست.

۳-۵) پیشگیری ثالث

این پیشگیری، معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی نمودن بزهکاران پیشین است. پیشگیری از تکرار جرم، توسط پلیس و دیگر عوامل نظام عدالت کیفری صورت می‌گیرد و تدابیر مربوط به ضمانت

اجراهای قضایی رسمی تا بازپروری مجرم و زندانی کردن را شامل می‌شود. در بسیاری از اوقات، به دلیل محدودیت ضمانت اجراهای مبتنی بر اصلاح و درمان، این نوع پیشگیری، به تدابیر سرکوب‌گرانه تنزل پیدا می‌کند (صدیق، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸).

قضاوت

نتیجه

دلایل ارتکاب جرایم خشن (بنا به اطلاعات به دست آمده)، در قالب دو دسته دلایل درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌شوند و متغیرهای به سزایی مانند اشتغال، سن، خانواده، محیط شهری و ... در وقوع آنها مؤثرند. رشد شهرنشینی و رشد آمار مهاجرت از روستاها و مناطق دور افتاده به شهرهای بزرگ سبب شده است که خرده فرهنگ‌های گاهاً متعارض، موجب درگیری و تنش شوند و نهایتاً تراکم جمعیت و به تبع آن، کاسته شدن از فرصت‌های شغلی و نابرابری اقتصادی، منجر به وقوع جرم گردند.

قانونگذار از یک طرف، از تمامی ظرفیت سرکوب‌گرانه حقوق کیفری بهره برده است و برای جرایم خشن و خطرناک، مجازات‌های مقرر در درجات ۱ الی ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به عنوان سنگین‌ترین مجازات‌ها پیش‌بینی کرده است و علاوه بر آن، برای این نوع از جرایم، یک سری از مجازات‌های تکمیلی را به موجب ماده ۲۳ همان قانون وضع نموده است. مقنن در این مرحله نیز متوقف نمانده است و مطابق با ماده ۲۵ قانون مذکور، برای جرایم خشن و خطرناکی (از قبیل جرایم منتهی به سلب حیات و حبس ابد و یا قطع عضو و جنایات مستوجب پرداخت دیه)، مجازات‌های تبعی را برای مرتکبین این نوع از جرایم پیش‌بینی نموده است تا از طریق جنبه ارباب‌گرایانه حقوق جزا که یکی از اهداف اصلی و سه‌گانه حقوق کیفری است، از وقوع جرایم خشن و خطرناک پیشگیری نماید.

از سوی دیگر، عمده تأسیسات ارفاقی پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، معطوف به جرایم غیر خشن و سبک است و مرتکبین جرایم خشن و خطرناک، از این علق مخففه بی‌بهره‌اند؛ لذا ملاحظه می‌گردد که تعویق صدور حکم به موجب ماده ۴۰ قانون فوق، صرفاً برای جرایم درجات ۶ الی ۸ (که از سبک‌ترین تعزیرات به شمار می‌آیند) پیش‌بینی شده است و همچنین به موجب ماده ۵۷ همان قانون، نظام نیمه آزادی نیز معطوف به تعزیرات درجه ۵ الی ۷ می‌باشد.

از سوی دیگر، سیاست جنایی کشورمان، همان‌قدر که به جنبه سرکوب‌گرانه حقوق جزا توجه داشته است، به دنبال پیشگیری و بازپروری با استفاده از نظریات جرم‌شناسی بر اساس اسلوب پیشگیری اولیه (جلوگیری از وقوع جرم خشن)، پیشگیری ثانویه (برخورد با افراد بالقوه و مجرمین خطرناک) و پیشگیری ثالث (برخورد در راستای جلوگیری از شیوع

و تکرار جرایم خطرناک) بوده است؛ مانند وضع مجازات‌های جایگزین حبس، تعلیق مجازات و تعویق صدور حکم و ... برای عدم برخورد و رویارویی مجرم با مجرمین سابقه‌دار در زندان و فراگیری جرم و طرق ارتکاب آن و در نتیجه شیوع و تکرار جرم در آینده. همان‌طور که از آمارهای ارائه شده در تحلیل بر می‌آید، برای وضع یک برنامه مدون جهت نیل به هدف پیشگیری از وقوع جرایم خشن در حومه شرق تهران باید بر روی مسائل زیر تمرکز داشت:

۱) با توجه به این که نزدیک به ۹۰ درصد مرتکبین جرایم خشن را مردان تشکیل می‌دهند، لذا تمرکز برنامه‌های پیشگیرانه باید معطوف به این جنس باشد؛ همچنین اکثر قریب به اتفاق آنها را جوانان تشکیل می‌دهند که این امر نشانگر این موضوع است که اگر فرصت‌های شغلی مناسب برای این گروه سنی توسط مسؤولان پیش‌بینی گردد حجم بسیار بالایی از این جرایم کاسته خواهد شد؛ زیرا طبق آمار ارائه شده، نزدیک به نیمی از این افراد، متأهل بوده و صرفاً به دلایل مالی و اقتصادی دست به جرایم خشن نظیر زورگیری زده‌اند و گرنه از نظر روانی سالم بوده و از نظر مذهبی، بیش از دو سوم آنها مبادی آداب دینی بوده و حتی خدمت سربازی خود را نیز پشت سر گذاشته‌اند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که صرفاً زندگی در محل استیجاری و یا فقدان شغل و اصولاً دغدغه مالی که یکی از مؤثرترین علل بیرونی مؤثر بر بزهکار است، از عوامل اصلی بروز جرایم خشن است که این امر باید توسط مسؤولان امر جدی گرفته شده و فرصت‌های شغلی مناسب برای این افراد پیش‌بینی شود.

۲) نکته دیگر، معطوف به شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران و مناطق شرق پایتخت است؛ زیرا در تحلیل‌های ارائه شده دریافته‌ایم که محیط جغرافیایی و معماری شهری، سبب بروز برخی از جرایم خشن شده است و مسؤولان شهری باید در حد امکان از شکل‌گیری پاتوق‌های مجرمانه در زیر پل‌ها و معابر و همچنین از شکل‌گیری اماکن تاریک به واسطه فقدان نور یا خاموش ماندن چراغ و ... جلوگیری نمایند. ایجاد فضاهای سبز و تفریحی و همچنین اقدامات فرهنگی متناسب با سن مورد هدف ما (۱۸ تا ۲۵ سال) نیز از دیگر عوامل مؤثر در کاهش جرایم خشن خواهد بود؛ زیرا بسیاری از مرتکبین این جرایم، با سرگرمی‌های مجاز غریبه‌اند و اصولاً ارتباطی با سینما، روزنامه، کتاب و ... نداشته‌اند.

در نهایت باید گفت که قطعاً شناسایی ریشه‌ها و علل بروز خشونت، زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی و تسهیل کنترل جرایم خشن فراهم می‌آورد. مهم‌ترین راهکارها در این خصوص، تقویت زیرساخت‌ها و سازوکارهای اخلاقی، آگاهی جمعی، کنش اجتماعی مشترک، توسعه باورهای عمیق اجتماعی، تقویت جامعه‌پذیری، حفظ الگوی مناسب امید به زندگی، بازسازی سبک زندگی، تقویت همگرایی فرهنگی، توسعه پایگاه اجتماعی، نظارت اجتماعی، نهادینه‌سازی رفتارهای جمعی، تقویت هویت مشترک می‌باشد (بهرامی و بنی‌اسدی، ۱۳۹۲، ص ۱) و همچنین کاهش محرومیت نسبی، تضاد و ابهام در روابط اجتماعی و تعارض نقش‌ها، کنترل خرده فرهنگ‌های کج‌رو و ... می‌تواند فرصت ارتکاب به جرایم خشن در جامعه را کاهش دهد.

قضاوت

فهرست منابع

- ۱- بهرامی، مهدی و بنی‌اسد، زیبا؛ بررسی نظری علل اجتماعی بروز جرایم خشن، فصلنامه دانش انتظامی هرمزگان، شماره ۶، دوره چهارم، تابستان ۱۳۹۲.
- ۲- دانش، تاج زمان؛ مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟، نشر مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۳- رحیمی، محمدمهدی؛ تأثیر سیاست جنایی سرکوب‌گرانه بر نرخ ارتکاب جرایم با نگاهی با سیاست جنایی اسلام، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۸.
- ۴- رضوانی، علی اصغر؛ جغرافیا و صنعت توریسم، نشر دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- ستوده، هدایت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، نشر آوای نو، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- صادقی‌راد، الهام؛ آموزه‌های اسلامی، دریچه‌ای به سوی پیشگیری از وقوع جرم، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۶۰ و ۶۱، ۱۳۹۰.
- ۷- صدیق، مصطفی؛ بررسی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم، نشریه مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی (سه علامه تبریزی) دانشگاه تبریز، شماره ۹، بهار ۱۳۸۵.
- ۸- صفاری، علی؛ مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۰.
- ۹- عرب‌نژاد، فاطمه؛ دلایل ارتکاب جرایم خشن توسط جوانان زندانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۳، ۱۳۹۰.
- ۱۰- فاخری، نریمان و عباسی، حسام؛ بررسی مبانی جرم‌نگاری جرایم مانع در حوزه حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی عدالت آرا، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۹۰.
- ۱۱- کلانتری، محسن و آیت، آیت‌الله؛ تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۳۲، ۱۳۹۳.
- ۱۲- گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۳- محمدی، سیدمحمد؛ بررسی تطبیقی موضوع پیشگیری از وقوع جرم، انجمن علمی و پژوهشی فقه قضایی، ۱۳۹۰، (مندرج در سایت: www.alqaza.com).
- ۱۴- موسوی، سیدیعقوب؛ تبیین نظری و جامعه‌شناختی جرایم شهری، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۴۴، ۱۳۸۴.
- ۱۵- نجفی‌توانا، علی؛ جرم‌شناسی، نشر خیام، تهران، ۱۳۸۰.

Pathology of Violent and Dangerous Crimes and Solutions for Prevention in Eastern Suburbs of Tehran

Abbas Sheikholeslami*

Tahereh Mahmoud Soltani**

Received:17/5/2016

Accepted:28/8/2016

Abstract:

Violent crimes are behaviors usually committed by individuals or group of criminals against themselves (suicide or self-abuse) or others. Considering field investigations performed in this study, it was determined that violence is social in nature, and often occurs in interactions between people or groups of people. Violence occurs in various forms: physical, economic, political, social and cultural such as murder, hitting and hurting, terrorizing, war, threats, damaging, desecration and demeaning, insulting, obscenity and threatens individual and social security. Due to the fact that all societies today face violence, and what today's societies are concerned with is the scope of violence, and considering that studies regarding violence and the incidence of dangerous crimes in the judicial districts in the vicinity of Tehran have not been performed (studies have mainly been concerned with domestic violence - including violence against women, children, and spouse - killing; on a national level, or specific provinces). Based on the information of this study, it can be claimed that violence has been increasing in the past few decades, especially among young people. This study maintains that by providing the means for young people's marriages, teaching correct upbringing method to parents, correct supervision of children by their parents, implementing sound judgment, controlling anger, and providing a sound educational environment, steps can be taken toward prevention and reduction of violent crimes such as murder or fights. In this study, the concept of violent and dangerous crimes and criminals, the circumstances that help their formation, the outcome of the criminal and non-criminal measures taken, and approaches for attaining native solutions are analyzed.

Key words: *Violent crime, Eastern suburbs of Tehran, Prevention.*

*Assistant Professor at Law and Political Science Faculty of Mashhad Islamic Azad University.

dr.sheikholeslami@gmail.com

**Ph.d Student of Criminal Law and Criminology at Mashhad Islamic Azad University.

tmsoltani@yahoo.com